

## جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت، با تکیه بر بسترهای اجتماعی و فکری شکل‌گیری این فرقه در ایران دوره قاجار

مجتبی اشرافی<sup>۱</sup>، مرتضی اشرافی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱)

### چکیده

هر چند مسلک شیخیه از نظر اعتقادی هیچ‌گونه ارتباطی با بابیت و بهائیت ندارد، ولی ارائه عقاید و آموزه‌هایی متفاوت و خارج از چهارچوب‌های مقبول شیعی زمینه و بستر لازم فکری و فرهنگی را برای ادعاهای دروغین سید علی محمد شیرازی فراهم کرد. سید علی محمد بر مذهب شیخ احسائی بود و بنیان بسیاری از دعاوی اولیه خویش را بر آموزه‌های شیخیه نهاده است. شیخ احسائی از شاگردان سید کاظم رشتی رهبر وقت مسلک شیخیه بود. با توجه به اهمیت دعاوی این دو تن، میرزا حسینعلی نوری ملقب به بهاء‌اله نیز برای شکل‌گیری هسته اولیه نهضت بابیت، شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی را «نورین نیرین» لقب می‌دهد و آن‌ها را مبشران ظهور خود و باب می‌خواند و نخستین گروندگان به بابیه همه از پیروان و طرفداران شیخیه به‌شمار می‌رفتند.

در طی شش سال ادعاهای باب تا اعدام او در ایران شاهد وقایعی مانند شورش قلعه طبرسی و فتنه‌های زنجان و نیریز هستیم که عاقبت حکومت قاجار را مجاب به اعدام باب و مجازات بابیان می‌کند. این فرقه در ایران و در برخی دیگر از نقاط جهان از زمان قاجار تا کنون

۱. دکترای تاریخ ایران معاصر، پژوهشگر اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه، شیراز، ایران \*engcac@gmail.com

۲. دکتری علوم سیاسی، پژوهشگر اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه و پژوهشگاه بین‌المللی جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران

ریشه دوانیده است. فرقه بهائیت با بهاء‌اله تأسیس و توسط عبدالبهاء و شوقی‌افندی توسعه و ترمیم یافت. فرقه بهائیت با وجود برخی شعارهای آرمان‌گرایانه در عمل بسیار ناشیانه و سرکوب‌گرایانه عمل می‌کنند و تمام اعضا مانند یک فرقه در خدمت سرکردگان و تحت امر آنها هستند.

**کلیدواژگان:** فرقه، بهائیت، ایران، دین اسلام، مهدویت

## ۱- مقدمه

فرقه بهائیت براساس یک هدف ظاهری و یک هدف باطنی تشکیل شده است. جنگ با شرک و بت‌پرستی از اهداف ظاهری بهائیت است، ولی واقعیت بهائیت در راستای فکری و عملی این هدف را تأیید نمی‌کند. خدمت به فراماسونری و امپریالیسم جهانی هدف باطنی و پنهان آنهاست و این اصل محور تمام تلاش‌های بهائیت از زمان ظهور تا به امروز را قرار دارد. آنها هدف ظاهری را فقط برای اغوا و گمراه‌کردن ساده‌لوحان و عوام‌الناس قرار داده‌اند (فیاضیان، ۱۳۸۵: ۲۲). ایجاد ادیان و فرقه‌های ساختگی یکی از ترفندهای مرسوم دولت‌های استعمارگر برای انحراف جریان صحیح دین‌داری بوده است. در حقیقت جایگزینی فرقه‌های دست‌ساز با ادیان الهی و یا مشوش‌سازی چهره ادیان الهی از اهداف کلی آنهاست. گروه دست‌سازی با نام بابت و آیین بهایی برای جداسازی ملت ایران از مراجع تقلید حدود ۱۵۰ سال پیش در کشور و با هدایت و یاری استعمار انگلیس در مقوله مهدویت شکل گرفت (شهبازی، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

برخی بر این باورند که فقر و مشکلات اقتصادی پس از ورشکستگی در جنگ‌های ایران و روس دلیل ظهور بهائیت است. شکست در جنگ‌های ایران و روس شکاف عمیقی بین دولت و ملت به واسطه جداسدن روحانیت از دولت فتحعلی‌شاه ایجاد کرد (نصر، ۱۳۶۳: ۳۹۰). با جداسدن روحانیت و ملت از دولت دربار تحت سیطره روس‌ها و انگلیس‌ها درآمد. ملت اقتدار خویش را حفظ کرد و با کشتن «گریبایدف» نشان داد که ترس و واهمه‌ای از روس‌ها ندارد. از همین جا روس‌ها به فکر شکستن اقتدار ملت افتادند. به تشخیص درست آنان نقطه قوت ملت ایران پیروی از نایب امام زمان ع بود. از این رو به فکر فرقه‌سازی پیرامون اندیشه مهدویت افتادند (شهبازی، ۱۳۸۲: ۱۴۴).

جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار

فرقه شیخیه در آغاز دوره قاجار به دلیل غلبه روش اصولیین بر شیوه اجتهادی اخباریین در حوزه‌های علمیه شکل گرفت، و از دلایل تحولات و رقابت با آن بود که شاهد شکل‌گیری فرقه‌های بابیه و بهائیت هستیم. شیخی‌های اخباری مسلک برای عقب‌نماندن در پاسخ به مسائل جدید به خیالات متوسل شدند و طرح ایجاد ارتباط با معصومین در خواب و رویا و غیره را مطرح کردند. این شیوه راه را برای ادعاهای اتصال به معصومین باز کرد. به این ترتیب در این دوره سیدعلی محمد باب خود را باب امام زمان ع قلمداد کرد. پس از این ادعا پیروان او به‌طور کلی دین را منسوخ اعلام کردند. در ادامه سیدعلی محمد باب دستگیر شد، ولی تدوین کتاب بیان را در زندان و ادعای پیغمبری کرد. ادعای الهیت او به پس از ماجرای استناد نام خود به حروف ابجد و توجیه معادل «رب‌اعلی» بازمی‌گردد. پس از سیدعلی محمد جانشینانش به دو فرقه «ازلیه» و «بهائیه» تقسیم شدند. ازلیه بیشتر تابع احکام و دستورات باب بودند، ولی بهائیان به رهبری حسین‌علی نوری کتاب جدید نگاشتند و دینی جدید ساختند. دینی که با الهام از تمدن روز اروپا احکامی ساخت که بتواند افراد بیشتری را به خود جذب کند (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

بهائیت جریانی ادامه‌دار و واقعیتهای اجتماعی است که بسترهایش باید مورد کنکاش قرار گیرد. در این میان بستر فکری و اعتقادی، سیاسی و... بسیار حائز اهمیت است. فرار از خودکامگی شاهان و تلاش برای تحمل رنج و محنت مردمان را به سوی عرفان‌های کاذب سوق می‌داد. صوفیه و شیخیه در این میان تا توان داشتند مرید جذب کردند. شکل‌گیری بهائیت که ریشه در بابیه و شیخیه داشت در برهه‌ای از تاریخ ایران رخ داد که شاهان قاجار کشور را به مزایده گذاشته بودند و مردم در فقر، جهل و بی‌سوادی روزگار می‌گذراندند. تشکیک در برخی اصول دین و اعتقادات مذهبی مانند ظهور ولی عصر ع و بیان مفاهیمی چون رکن رابع تمایل مردم برای رؤیت منجی و فرار از رنج و محتسبی را که دچارش بودند صدچندان کرد.

در این پژوهش تلاش بر این است با بررسی روند شکل‌گیری فرقه بابیه و متعاقب آن فرقه بهائیت بر مبنای یکی از تفکرات و اصول مبنای شریعت اسلامی که همان مسأله جانشینی و مهدویت است، به این باور برسیم که آیا می‌توان این فرقه‌ها را به‌عنوان یک فرقه اسلامی برشمرد، و یا این‌که به نوعی آن‌ها را بدعت در دین تلقی کرده و بر ضاله‌بودن آن‌ها صحه

گذاشت. برای نیل به این مهم ماهیت تاریخی و چگونگی شکل‌گیری فرقه بهائیت، افکار و عقاید علی‌محمد شیرازی، ارتکاب حوادث بایان در طی شش سال از ادعای باب تا اعدام وی در ایران و نیز جانشینی حسینعلی نوری و شکل‌گیری فرقه ضاله بهائیت بررسی و تلاش می‌شود تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود. الف- تفکرات و اعتقادات فرقه بابیه در چه بستری شکل گرفته است؟ ب- جریان بابیه در دوره شش ساله از آغاز ادعای باب تا اعدام او چه مسائلی را در جامعه ایران زمان قاجار حادث شده است؟ ج- تفکرات و اعتقادات فرقه بهائیت در چه بستری شکل گرفته است؟ د- جریان فکری فرقه ضاله بهائیت از زمان شکل‌گیری تا کنون چه ماهیتی داشته است؟ این پژوهش از دو فرضیه زیر یاری جسته است. ۱- بابیه فرقه‌ای ضاله و ریشه در نحل شیخیه و افکار شیخ احمد احسائی و سیدکاظم رشتی دارد، و فرقه بهائیت نیز از فرقه بابیه منشعب شده است، همچنین ۲- برخورد با بابیه و رهبران آینده بهائیت (میرزا حسینعلی نوری و ...) در دوره قاجار بیشتر برخوردی سیاسی و امنیتی بود تا یک برخورد مذهبی. با کمک این دو فرضیه تلاش می‌شود تا به تبیین درست از پرسش‌های یادشده در بالا رسیده و با تطابق ماهیت فرقه بهائیت با فرقه‌های شیخیه و بابیه و با نگرشی بر مبنای جامعه‌شناسی تاریخی این فرقه به هدف‌های پژوهش نزدیک شویم.

## ۲- تعاریف و مفاهیم

### ۲-۱- دین

دین از اصطلاحات در ظاهر ساده است که ارائه تعریفی جامع و مانع از آن محال به نظر می‌رسد و آن‌قدر تعریف‌های متفاوت و گوناگون از دین عرضه شده که حتی نام بردن فهرست ناقصی از آن میسر نیست (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۲۹). علامه طباطبایی دین را به روش یا سنت اجتماعی تعبیر کرده و می‌گوید آن را راه زندگی انسان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۳۴). جوادی‌آملی دین را مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی می‌داند که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسان‌هاست (جوادی‌آملی، ۱۳۷۲: ۹۳). جعفر سبحانی دین را یک معرفت و نهضت همه جانبه به سوی تکامل و با چهار بُعد اصلاح عقیده، پرورش اصول عالی اخلاق انسانی، حُسن روابط افراد اجتماع و حذف هرگونه تبعیض‌های ناروا می‌داند (سبحانی، ۱۳۷۴: ۱۹).

جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار

اگر تعریف‌هایی که از سوی متکلمین اسلامی و غربی ارائه شده را مورد نظر قرار دهیم، خواهیم دریافت که نتیجه‌های مختلف و حتی مانع‌الجمع به‌دست می‌آید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تعاریف بالا و برداشت قانون‌نویسان از دین و اصطلاح دین، چهار دین اسلام، زرتشتیت، یهودیت و مسیحیت به رسمیت شناخته شده است، همچنین برخی از دانشمندان غربی مانند «دورکیم» در تعریف دین گفته‌اند: «دین دستگاهی از باورها و آداب است در رابطه با مقدساتی که مردم را به صورت گروه‌های اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌دهد» (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۳۷). با پذیرش این تعریف می‌توان بیان داشت که فرقه بهائیت نیز مشمول تعریف دین می‌شود، زیرا این آیین نیز دستگاهی از باورها و آداب است که برخی را به صورت یک گروه اجتماعی به یکدیگر پیوند داده است، ولی با توجه به سایر تعاریف نمی‌توان بهائیت را یک دین محسوب کرد، زیرا بررسی تاریخی نشان می‌دهد قوانین آن الهی نیست و از سوی استعمارگران و دست‌نشانندگان جعل شده و هدف از تأسیس آن ایجاد تفرقه و اختلاف میان مسلمانان بوده است (مشکور، ۱۳۷۵: ۹۴-۸۷).

## ۲-۲- فرقه

دین از اصول، فروع (احکام) و اخلاق تشکیل می‌شود که در هر کدام از این موارد ممکن است انشعاب اتفاق بیافتد. مذهب به انشعاب در فروع (احکام) گفته می‌شود مانند مذهب تشیع یا مذهب اهل تسنن در دین اسلام. انشعاب در اصول فرقه نام می‌گیرد، یعنی آن‌هایی که می‌خواهند در اصول تغییر ایجاد کنند. ویژگی‌هایی که در یک فرقه وجود دارد و نمی‌توان آن‌ها را در دین و مذهب دید عبارت است از: ۱- داشتن رهبری مستبد و خودکامه ۲- ساختار حرمی قدرت و تشکیلات در فرقه ۳- استفاده از برنامه مجاب‌سازی (شستشوی مغزی)

## ۳- تبیین تاریخی شکل‌گیری فرقه‌های بابیه و بهائیت

مخالف با تصوف و اخباری‌گری در دوره آغامحمدخان و فتحعلی شاه قاجار با رشد دانش و دین در نزد اصولیین در ایران و عتبات عالیات فزونی می‌یابد. در این زمان با رشد شیخیه و پس از این دوران بابیگری و بهائی‌گری از سویی و مخالفت با آنان از سوی دیگر رخ می‌دهد.

در این زمان نوآوری‌های علمی در دو زمینه روش‌های اصولی و روش‌های اخباری اتفاق می‌افتد. اصولیین با نوشتن کتاب «جواهر» به نقطه‌ای از تکامل در کاربرد عقل به عنوان ابزاری برای استخراج احکام دین از متون مذهبی دست می‌یابند. برخی از اخباریین (شیخیه) برای اجتناب از به‌کارگیری عقل، در پاسخ به انتقاد کسانی که روش آنان را موجب تحجر و کهنه شدن دین می‌دانستند با ابداع «رکن رابع» ادعای ارتباط مستقیم با معصوم را طرح می‌کنند. آنان با این شیوه ادعا دارند که از طریق مکاشفه و خواب و نظایر این‌ها فرامین هر زمان را از خود امام معصوم می‌گیرند تا نیازی به عقل در تفسیر دین نباشد (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰: ۸۷، ۸۶).

برخی از نویسندگان مانند آقای الگار مباحث احساسی - عاطفی و مذهبی را برای توضیح و تبیین بایگاری قبول ندارد و گزارش‌ها و شرح احوال بزرگان بابی که توسط بایبان نقل شده را مستند نمی‌داند. او اعتقاد دارد که تاریخ را باید خارج از این شرایط شناخت، و بدون در نظر داشتن این احوالات است که می‌توان تاریخ را قابل بحث و اعتماد دانست (الگار، ۱۳۵۵: ۱۹۵). بیشتر پژوهشگران ریشه اصلی فرقه‌های بابیه و بهائیت را در مسلک شیخیه جستجو کرده و شیخ احمد احساسی را بنیان‌گذار مسلک و فرقه شیخیه می‌دانند. هرچند که برخی هم بر این باورند که سرجان ملکم انگلیسی با موافقت وزارت مستعمرات انگلستان ۱۲ نفر از دراویش هندی را روانه ایران کرد که هر یک از دراویش سلسله خاصی را بنیان نهادند و اصطلاحاتی مانند «قطب»، «پیر»، «مرشد»، «مراد»، «مرید» و... را رواج دادند. بعدها فرقه‌هایی چون بابیه و بهایی‌گری و ازلی‌گری از همین مناسک منشعب شدند (دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، ۱۳۸۷: ۸۰). شیخ احمد احساسی به یقین شاگردی به نام سیدکاظم رشتی داشته است. سیدکاظم رشتی زمینه را برای شکل‌گیری فرقه‌های ضاله‌ای مانند فرقه بهائیت با پایه‌گذاری مسلک شیخیه فراهم آورده است. به این گونه که سیدکاظم رشتی شاگردی به نام علی‌محمد شیرازی داشته که بابیه را بنا نهاد، و سرانجام بهائیه و ازلیه نیز از دل بابیه بیرون آمد. صحت و سقم این مدعا تا اندازه‌ای است که میرزا حسین علی نوری ملقب به بهاء‌الله با توجه به این امر شیخ احمد احساسی و سیدکاظم رشتی را «نورین نیرین» لقب می‌دهد (روزبهبانی‌بروجردی، ۱۳۸۸: ۱۹).

فرقه شیخیه در ایران به چهار شاخه معروف و معمول تقسیم می‌شود. محمد محمدی اشتهاردی «سیدکاظم رشتی» را شاگرد و جانشین «شیخ احمد احساسی» می‌داند، و حاج

جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار

کریم‌خان کرمانی، میرزا شفیع تبریزی، میرزا طاهر حکاک اصفهانی و میرزا علی محمد شیرازی چهار نفری است که به عنوان جانشینان سید کاظم رشتی معرفی می‌کند (اشتهاردی، ۱۳۸۶: ۳۶، ۳۷). در مجموع و با توجه به سایر اسناد می‌توان شیخیه را به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

۱- شیخیه کرمان (میرزا کریم‌خان قاجار)

الف- کرمانیه (کریم‌خانیه)

ب- باقریه در همدان (محمدباقر خندق‌آبادی)

۲- شیخیه آذربایجان:

الف: حجه الاسلامیه: میرزا محمد مامقانی

ب: ثقه الاسلامیه: میرزا شفیع تبریزی

ج: احقاقیه: میرزا موسی احقاقی

۳- شیخیه اصفهان (میرزا طاهر حکاک اصفهانی)

۴- شیخیه شیراز (میرزا علی محمد شیرازی: باب)

#### ۴- فرقه بابیه

سید علی محمد شیرازی از پدری به نام محمد رضا که کار بزازی داشت در اول محرم سال ۱۲۳۵ ه.ق. در شیراز زاده شد. در کودکی پدرش را از دست داد و از آن پس توسط خالویش، سید علی، بزرگ شد. علی محمد شیرازی در مکتب «شیخ عابد شیرازی» خواندن و نوشتن فارسی و عربی و اندکی از علم حساب و قرائت قرآن مجید را آموخت. خط زیبای علی محمد نیز اثر تعلیم شیخ عابد، آموزگارش، بود. شیخ عابد دست‌خطی زیبا داشت و به خوش‌نویسی معروف بود (حسینی طباطبایی، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۱). اغلب تاریخ‌نگاران علی محمد شیرازی را شاگرد سید کاظم رشتی مؤسس فرقه شیخیه می‌دانند، که از آن جمله می‌توان به علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه اشاره کرد که در کتاب «المتنبین» و در فصلی تحت عنوان «فتنه باب» به این موضوع پرداخته است. عده‌ای بر این عقیده هستند که علی محمد شیرازی آلت دست استعمارگران به خصوص روس‌ها بوده است. آن‌ها سفیر کبیر روسیه در ایران، کینیازدالگورکی،

را از جمله عوامل اثرگذار و افراد مهم بر احوالات علی‌محمد شیرازی دانسته‌اند. پرنسکی از دالگورکی به نقل از این پژوهشگران درباره نحوه آشنایی و تلقین مطالب و تعالیم خود به علی‌محمد باب چنین می‌گوید:

«من فکر کردم چگونه است که این عده قلیل شیعه... بر یک دولت مثل عثمانی غلبه کرده‌اند و چگونه همین جماعت با یک عده قلیل جنگ‌هایی با روسیه نموده و یک لشکر انبوه را از میان برداشته‌اند. آن وقت دانستم که (این پیروزی‌ها) به واسطه اتحاد مذهبی، عقیده و ایمان راسخی است که به دین اسلام دارا بوده‌اند... من هم در صدد ایجاد دین تازه دیگری افتادم که این دین وطن داشته باشد. زیرا فتوحات ایران به واسطه وطن‌دوستی و اتحاد مذهبی بوده است...»

پس از آشنایی با علی‌محمد در عتبات، سیدعلی‌محمد دست از دوستی من نمی‌کشید و بیشتر مرا مهمان می‌کرد و قلیان محبت را با هم می‌کشیدیم. او خیلی ابن‌الوقت و مرد متلون‌الاعتقادی بود، و نیز به طلسم و ادعیه و ریاضیات و جفر و غیره عقیده داشت. چون دید من در علم حساب و جفر و مقابله و هندسه مهارت دارم، برای رسیدن به مقصودش شروع به خواندن حساب در نزد من نمود. با این همه هوش با هزاران زحمت چهار عمل اصلی را نزد من خواند و بالاخره گفت من کله ریاضی درس تو حسابی ندارم. شب‌های جمعه در سر قلیان سوای تنباکو چیزی مثل موم خورد می‌کرد. به من هم تعارف نمی‌کرد، به او گفتم چرا قلیان را به من نمی‌دهی بکشم؟ گفت: تو هنوز قابل اسرار نشدی که از این قلیان بکشی. اصرار کردم تا به من داد کشیدم. خنده فراوان کردم. روزی از او پرسیدم این چه چیزی بود؟ گفت: به عقیده عرفا اسرار و به قول عامه چرس. دانستم حشیش است و فقط برای پرخوری و خنده خوب است، ولی سید می‌گفت مطالب رمز به من مکشوف می‌شود. گفتم می‌خواستی موقع حساب‌خواندن بکشی که زودتر فهم مطالب کنی. به واسطه کشیدن چرس اصلاً میل درس و مطالعه از او فراری شده بود و دل به درس خواندن نمی‌داد.

روزی در سر درس آقای آقا سیدکاظم رشتی، یک نفر طلبه تبریزی سؤال کرد: آقا، حضرت صاحب‌الامر کجا تشریف دارند؟ آقا فرمود: من چه می‌دانم شاید در همین جا تشریف داشته باشند، ولی من او را نمی‌شناسم. من مثل برق خیالی به سرم آمد که سیدعلی‌محمد این اواخر به واسطه کشیدن قلیان چرس و ریاضت‌های بی‌هوده با نخوت و جاه‌طلب شده بود. شبی که

جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار

قلیان چرس را زده بود من بدون آن‌که قلیان کشیده باشم با یک حال خضوع، خش و عذر حضور او خود را جمع کرده گفتم: حضرت صاحب‌الامر! به من تفضل و ترحمی فرمایید بر من پوشیده نیست توئی، تو.

من مصمم شدم یک دکان جدیدی در مقابل دکان شیخ باز کنم و اقلأً اختلاف سوم را من در مذهب شیعه ایجاد کنم. گاهی بعضی مسائل آسان از سید می‌پرسیدم، او هم جواب‌هایی مطابق ذوق خودش که اغلب بی‌سر و ته بود، از روی بخار حشیش می‌داد، من هم فوری تعظیمی کرده و می‌گفتم تو باب علمی یا صاحب‌الزمانی، پرده‌پوشی بس است، خود را از من مپوش.

(روزی) مجدداً به منزل او رفتم و تقاضای تفسیر سوره عم را کردم. سید هم قبول این خدمت کرد و قلیان چرس را کشیده شروع به نوشتن نمود (وقتی سید چرس می‌کشید به قدری چیز می‌نوشت که یکی از تندنویس‌های نمره اول بود)، ولی اغلب مطالب او را من اصلاح می‌کردم و به او می‌دادم که بلکه او تحریک و معتقد شود باب علم است. ... سید بی‌نهایت طالب شده بود که ادعایی بکند، ولی جرأت نمی‌کرد. من برای این‌که بها و جرأت بدهم، به بغداد رفتم، چند بطر شراب خوب شیراز یافتم و چند شبی به او خوراندم. کم‌کم با هم محرم شدیم و به او... (مطالب) را حالی کردم... به هر وسیله‌ای بود رگ جاه‌طلبی او را پیدا کردم و او را به حدی تحریک کردم که کم‌کم دعوی این کار بر او آسان آمد... به سید گفتم از من پول دادن و از تو دعوی مبشری و بابیت و صاحب‌الزمانی کردن. او را راضی کردم و به طرف بصره و از آن‌جا به طرف بوشهر رفت ...» (خالصی، ۱۳۸۷: ۷۰-۵۷؛ حجازی، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۱).

البته در وجود و اثبات شخصی به اسم کنیاز دال‌گورکی برخی از پژوهش‌گران بر این عقیده هستند که همچنین شخصی وجود ندارد و نسبت دادن علی‌محمد شیرازی به استعمار شوروی نیاز به دلایل و مدارک موثق‌تری دارد. برخی دیگر از مورخین ظهور و بروز باب و تفکر باییه را به انگلیسی‌ها منتسب کرده و علی‌محمد شیرازی را دست‌پروده انگلیسی‌ها می‌دانند (مهدوی، ۱۳۸۹: ۳۳)، همچنین است که عبدالحسین آیتی این‌گونه می‌آورد:

«شک نیست که این آقایان هم در دین‌سازی و خیانت به اسلام و ایران خودسر نبوده‌اند و قدم به قدم پیرو دستورات خدای زمین، یعنی نژاد انگلوساکسون بوده‌اند، و برای دولت فخریه خدمت‌ها انجام داده و بی‌مزد هم نمانده‌اند» (آیتی، ۱۳۸۹: ۵۳).

#### ۴-۱- ادعاهای علی محمد شیرازی

الگار به نقل از دوگوبینیو درصد قابل توجهی از موعظه‌های اولیه باب را مطالب ضد روحانیت دانسته و یکی از علل دشمنی روحانیون با باب را همین بدعت باب می‌داند (الگار، ۱۳۵۵: ۱۹۵). علی محمد شیرازی با این که کم‌تر از دو سال شاگرد سید کاظم رشتی بود؛ نخستین ادعایی که می‌کند ادعای بابت است، یعنی همان «رکن رابع» که شیخیه مطرح کرده است. او سپس ادعای مهدویت و کمتر از اندک زمانی ادعای رسالت می‌کند. علی محمد شیرازی در کتاب «دلایل سبعة» به ترمیم ادعاهای گذشته خود پرداخته و با ادعای رسالت و مظهریت چنین می‌گوید:

«و نظر کن در فضل حضرت منتظر که چقدر رحمت خود را در حق مسلمین واسع فرموده تا آن که آن‌ها را نجات دهد. مقامی که اول خلق است و مظهر انبی انالله چگونه خود را به اسم بابت قائم آل محمد ص ظاهر فرموده و به احکام قرآن در کتاب اول حکم فرمود تا آن که مردم مضطرب نشوند از کتاب جدید و امر جدید و مشاهده‌کنند که این مشابه است با خود ایشان لعل محتجب نشوند و از آن چه از برای آن خلق شده‌اند غافل نمانند» (شیرازی، بی تا: ۲۹).

ادعای نبوت و ادعای الهیت از جمله ادعاهای دیگری که باب می‌کند. او در یکی از نامه‌هایش می‌نویسد: «هذا کتاب من عند الله المهی من القیوم الی الله العزیر المحبوب» و همچنین «اشهد ان علی قبل نبیل ذات الله و کینونته» (اشرافی، ۱۳۹۴: وب سایت کریمه).

#### ۴-۲- اعدام باب

ایران و دربار ایران برای اعدام باب تعلق می‌کند، حامد الگار در این رابطه ادعا می‌کند که میان علما و دولت وقت (محمدشاه و وزیرش حاج میرزا آقاسی) در رابطه با مسئله علی محمد شیرازی اختلاف وجود داشت. هنگامی که حسین خان نظام‌الدوله والی فارس شرح ماوقع باب

جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار

را به تهران مکتوب توضیح می‌دهد علمای شیراز نیز چنین کاری می‌کنند و باب هم که به حمایت محمد شاه و وزیرش امید داشت شرح حال خود را مکتوب برای محمدشاه می‌فرستد، باب حتی بعداً هم از این حمایت ناامید نشده و درهنگام اسارت در قلعه ماکو، رساله‌ای می‌نویسد و آن را به حاج میرزا آقاسی تقدیم می‌کند. آقای الگار در کتاب خود این احتمال را می‌دهد که علی محمد شیرازی درصدد بهره‌برداری از کشمکش میان علما و دولت بوده و می‌خواسته خود را به‌عنوان وزنه‌ای برای از بین بردن قدرت علما مطرح کند و از طرفی حاج میرزا آقاسی هم تمایل داشته سرگرمی برای خود به واسطه دعوی علما و باب درست کند و به نوعی از آب گل‌آلود ماهی بگیرد. این گونه می‌شود که حکومت در برچیدن فتنه باب به دو دلیل یکی بی‌کفایتی و دیگری بی‌تفاوتی نسبت به مذهب عامه ناکام می‌ماند (الگار، ۱۳۵۵: ۱۹۷-۱۹۹) تا این که امیرکبیر وارد میدان می‌شود. غاعله بایبان آن‌قدر پرادمانه می‌شود که امیرکبیر برای خواباندن این آشوب‌ها که حکومت را تهدید می‌کند، فتوای اعدام باب را از علما می‌گیرد. باب را به دستور امیر کبیر در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ یعنی درست شش سال پس از ادعایش و با درست کردن وقایع و آشوب‌های بسیاری برای مملکت در میدان صاحب زمان تبریز به دار مجازات آویختند و جسدش را به زباله‌دانی انداختند. اگر چه بهائیان ادعا می‌کنند که جسد باب را از تبریز دزدیده و به فلسطین اشغالی برده‌اند.

## ۵- تبیین تاریخی وقایع و حوادث

### ۵-۱- واقعه بدشت

ماجرای بدشت معرف مهم‌ترین دیدگاه‌ها و اهداف یاران باب بود. این واقعه در روی‌گردانی برخی از علاقه‌مندان به این نهضت نقش مؤثری داشته و البته چه‌بسا موجب گرویدن برخی دیگر به باب نیز بود؛ این جریان در نوع اقدامات حکومت قاجار نسبت به بایبان نیز تأثیر قطعی داشت. دلیل تجمع بایبان در احتفال بدشت برای رهانیدن باب از قلعه ماکو بود، اما اتفاق اصلی ماجرای بدشت، توطئه ودسیسه‌چینی حسین‌علی نوری و ملا محمدعلی بارفروشی و زرین تاج قزوینی (طاهره قره‌العین) برای نسخ شریعت اسلام بود که بی‌اطلاع باب صورت گرفت و قره‌العین «بدون حجاب، با آرایش و زینت» به مجلس وارد شد و حاضران را مخاطب ساخت

که امروز روزی است که قیود تقالید سابقه شکسته شد (نبیل زرنندی، بی‌تا: ۲۷۱-۲۷۳). بابیان بسیاری از این حرکت ناخشنود بودند از جمله ملاحسین بشرویه‌ایمرد شماره دو بابیه از این حرکت به شدت برآشفته و یکی از بابیان به نام عبدالخالق اصفهانی با بریدن گلوی خود اعتراض را از این حرکت ابراز کرد. افندی ولی‌امر بهائیان می‌نویسد:

«حضار از ملاحظه این منظره سخت دچار حیرت و دهشت گشتند... خوف و غضب افنده را فراگرفت و قدرت تکلم از جمیع سلب شد به حدی که عبدالخالق اصفهانی از کثرت هیجان و اضطراب با دست خویش گلوی خود را چاک داد و در حالی که آغشته به خون بود دیوانه‌وار خود را از آن صحنه دور ساخت. برخی دیگر از اصحاب نیز مجلس را ترک گفته و دست از امر الهی کشیدند و گروهی با قلب‌های آکنده... تسکین خاطر یافتند» (افندی‌ربانی، ۱۹۹۲: ۹۵).

#### ۵-۲- شورش و واقعه قلعه طبرسی

میریدان سید علی محمد باب در اواخر سلطنت محمدشاه به ویژه پس از مرگ شاه در سال ۱۲۶۴ ه.ق. وقایع خونینی را در کشور پدید آوردند که برای نمونه می‌توان به واقعه قلعه طبرسی اشاره کرد. در این شورش که ملاحسین بشرویه‌ای و ملا محمدعلی بارفروشی از اصلی‌ترین یاران باب فرماندهی این نبرد را برعهده داشتند و هر دو نیز در آن کشته شدند. آنان با حفر خندق اطراف قلعه خود را برای جنگ با قوای دولتی آماده ساختند. شوقی افندی می‌نویسد: «این کارزار که قسمت اعظم آن در جنگل مازندران به وقوع پیوست مدت یازده ماه به طول انجامید» (افندی ربانی، ۱۹۹۲: ۱۰۵).

نبیل زرنندی تاریخ واقعه مازندران را از روز برسر نهادن عمامه سبز باب ملاحسین و حرکت از مشهد به سوی مازندران ثبت کرده است و می‌نویسد: «وقوع این مطلب مهم تاریخی در روز نوزدهم شعبان سال هزار و دویست و شصت و چهار هجری بود» (نبیل زرنندی، بی‌تا: ۲۹۱).

هجوم بر مردم ساده‌دل پیرامون قلعه از وقایع تأسفبار این واقعه است که به دلیل قتل و غارت بی‌رحمانه و حاکی از شقاوت بابیان راهزن هیچ توجیه قابل پذیرشی برای آن وجود ندارد. حاج میرزا جانی‌کاشی از مورخین بابی و علاقمندان باب در کتاب خود آورده است:

جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار

«جمعی رفتند و در شب یورش برده، ده را گرفتند و ۱۳۰ نفر را به قتل رسانیدند. تتمه فرار نموده، ده را حضرات اصحاب حق، خراب نمودند و آذوقه ایشان را جمعاً به قلعه بردند» (جانی کاشانی، بی تا: ۱۶۲).

شکست چیزی بود که قدوس رهبر بابیان هرگز به آن نمی‌اندیشید. او و یارانش آن‌چنان به پیروزی خود امید بسیار داشتند که نبیل‌زندی می‌نویسد: «قوه الهی هیچ وقت مغلوب نمی‌شود...» (نبیل‌زندی، بی تا: ۳۲۸)

در هر حال میان بابی‌های سنگر گرفته در بقعه شیخ طبرسی که آن را به شکل قلعه‌ای درآورده بودند و نیروی دولتی جنگی سخت در گرفت. سرانجام نیروهای دولتی در این درگیری موفق به چیره‌شدن بر بابی‌ها شدند. در این درگیری ملا محمدعلی بارفروشی در سبزه میدان بارفروش (بابل کنونی) کشته شد و این جنگ در ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۲۶۵ پایان گرفت (نک: جانی کاشانی، بی تا).

### ۵-۳- واقعه زنجان

در سال ۱۲۶۶ه.ق. زنجان نیز شاهد شورش به سرکردگی ملا محمدعلی زنجانی ملقب به حجت شد. این فرد مدعی نیل به مرتبت اجتهاد بود و پیش از گرایش به بابت به دلیل فتوای عجیب و غریب خود در مسایل مختلف احکام مورد نفرت و انکار علمای زنجان بود. بهائیان و بابیان او را به‌عنوان یکی از مجتهدین به نام شیعه معرفی کرده‌اند که از پیروان جدی باب به شمار محسوب می‌شد. حجت زنجانی براساس نوشته نبیل‌زندی هیچ‌گونه اعتقادی به امام زمان نداشته است و در مجلس محاکمه خود در تهران ضمن محاجه با علما رسماً مدعی می‌شود و می‌گوید: «عترت که یکی از دو ثقل است از بین‌رفته و در میان نیست...» (نبیل‌زندی، بی تا: ۵۰۹).

بررسی حالات و شیوه ارتباط او با جریان بایبگری نشان می‌دهد که او به ادعاهای باب اعتقادی نداشته و تنها از آن به‌عنوان محملی برای دست‌یابی به مقاصد خود بهره می‌جسته است (شفا، ۱۳۴۹: ۲۳۴). هنگامی که شورش قلعه طبرسی رخ داد او در تهران بود، ولی برای پیوستن به اصحاب قلعه حرکتی نکرد و حتی مورخین بهائی نیز گفته‌اند که تنها به اظهار تأسف اکتفا کرد، ولی زمانی که جان خود را در معرض خطر دید بی‌درنگ به زنجان گریخت.

اگر او یارای خروج از تهران را داشت باید برای مساعدت سایر بابیان به مازندران می‌رفت، چرا که باب دستور داده بود: «بر همه مؤمنین واجب است که برای مساعدت جناب قدوس به مازندران بروند، زیرا اطراف قدوس و اصحاب را قوای دشمنان خون‌خوار و بی‌رحم احاطه کرده...» (نبیل‌زندی، بی‌تا: ۴۰۸).

جاه‌طلبی‌ها و منازعات او با حاکم و عالمان محلی زنجان به نزاع و کشتاری وحشتناک و به خاک و خون کشیده‌شدن بسیاری از افراد بی‌گناه تبدیل شد. شورش‌هایی که با دعوای کودکانه دو طفل مکتب‌خانه‌ای آغاز و درنهایت به شکست سنگین بابیان و مرگ حجت زنجانی منجر شد (نبیل‌زندی، بی‌تا: ۵۰۵). این شورش هنوز به اتمام نرسیده بود که در تبریز علی‌محمد باب به دار آویخته و تیرباران شد. نکته دیگر حمایت‌های منابع مجهول‌الهویه از حجت زنجانی در نبرد خونین او با نیروهای مردمی و دولتی بود. نبیل‌زندی در این خصوص می‌نویسد: «مطلب دیگری که باعث تعجب بود این بود که از راه غیرمعلومی پیوسته زاد و توشه به اصحاب می‌رسید...» (نبیل‌زندی، بی‌تا: ۵۲۸). امان‌الله شفا که خود روزگاری از مبلغین بهائیت به شمار می‌رفت نیز چنین نگاشته است:

«شما خود می‌توانید فکر کنید که در این موقع بابت تقریباً در سایر نقاط به کمال ضعف رسیده بود. در خراسان و مازندران با ختم قضیه طبرسی دیگر تقریباً کسی باقی نمانده بود و در جنوب با ختم قضیه نیریز که تقریباً تمام کسانی که حاضر به فداکاری بودند کشته شده بودند، دیگر افراد مؤثری باقی نمانده بودند. حالا فکر کنید این توپ و تفنگ‌ها و این اسب و شمشیر و زره‌ها و این زاد و توشه‌ها از کجا به زنجان می‌رسید... این مطلب نظریه کسانی را که معتقدند روس‌ها بابیان را کمک می‌کردند را تقویت می‌نماید» (شفا، ۱۳۴۹: ۲۳۴).

#### ۵-۴- واقعه نیریز

واقعه نیریز یکی دیگر از فتنه‌های فرقه بابیه در تاریخ اجتماعی ایران در دوره قاجار است که در پی آشوب‌طلبی بابیان به سرکردگی سیدیحیی دارابی اتفاق افتاد. مبنی بر عبداله‌ها، سیدیحیی توسط قره‌العین تشویق به ایجاد این فتنه شده است (قره‌العین، ۱۳۸۵: ۱۷). در این جنگ که بین نیروهای بابی و دولتی رخ داد دست‌کم ۵۰۰-۶۰۰ بابی کشته شدند. اغلب مورخان تاریخ وقوع این شورش و درگیری را ماه مه و یا ژوئن ۱۸۵۰ م. دانسته‌اند (محمد حسینی، بی‌تا: ۵۱۸).

## ۶- فرقه بهائیت و تبیین تاریخی و فکری این فرقه

میرزا حسین علی نوری (بهاء الله)، عباس افندی (عبدالبهاء)، شوقی افندی ربانی، روحیه ماکسول و بیت‌العدل از جمله رهبران فرقه بهائیت است. در این مبحث به سرنوشت میرزا حسین علی نوری، رهبر و پیامبر بهائیان، و شیوه شکل‌گیری فرقه بهائیت از دل فرقه بابیه پرداخته می‌شود. میرزا حسین علی نوری ملقب به بهاء الله که بهائیان شهرت خود را از او گرفته‌اند و او را به‌عنوان پیامبر آئین خود می‌انگارند. در دوم محرم سال ۱۲۳۳/ق، ۱۸۱۷/م در تهران و در خانه میرزا عباس نوری معروف به میرزا بزرگ متولد شد، میرزا بزرگ از منشیان دربار قاجار و به‌ویژه مورد توجه خاص قائم‌مقام فراهانی بود که پس از قتل قائم‌مقام از مناصب خود برکنار شده و به نور رفت (زعیم‌الدوله تبریزی؛ ۱۳۴۶: ۷۰). پس از انتشار ادعای بابیت علی محمد شیرازی به وسیله ملا حسین بشرویه‌ای و به واسطه میرزا محمد معلم نوری، در شمار نخستین گروندگان به باب درآمد. از فعال‌ترین افراد بابی شد و به ترویج بابیگری به‌ویژه در نور و مازندران پرداخت. برخی از برادرانش از جمله میرزا یحیی کوچک‌ترین برادر و معروف به «صبح ازل» نیز بر اثر تبلیغ او به این مرام پیوستند.

میرزا حسین علی نوری نیز مانند سایر هم‌مسلمانان خود ادعاهایی داشته است که از آن جمله می‌توان به ادعای «من یظهره الله» ادعای «مظهریت الهی» و نیز ادعای «الوهیت» اشاره کرد. حسین علی نوری در بغداد با عنوان پیشکاری ازل به فعالیت میان جمعیت آشفته بابیان پرداخت؛ این گروه به دلیل سردرگمی و نداشتن جایگاه مشخص دینی و دنیوی به یک معضل اجتماعی در عراق تبدیل شده بودند و بهاء الله با استفاده از این فضای آشوب‌زده و پریشان با زیرکی و سیاست به استحکام جایگاه و تضعیف موقعیت برادر خویش، یحیی ازلدر، میان بابیان پرداخت. او ازل را به بهانه‌های امنیتی در خفا نگهداشته و خود زمام امور را به‌دست گرفت. بهاء الله از اوضاع آشفته بابیان در عراق و بی‌توجهی عثمانی به مسائل داخلی بابیان، با شرارت به تسویه حساب و حذف فیزیکی مخالفین خویش پرداخت. فرار بابیان مهم از بغداد و ایجاد فضای رعب شدید و قتل و کشتار مخالفان نتیجه این شرارت‌ها بود. بابیان هم دادشان درآمده بود و می‌گفتند ما هر چه شنیده بودیم حسین مظلوم بوده است نه ظالم (روزبهرانی بروجردی، ۱۳۸۸: ۱۱۳، ۱۱۴).

در پی خشم ازل از اقدامات بهاء‌الله برای کسب موقعیت در میان بابیان و نبود شرایط لازم برای مقابله با ازل، میرزا حسین‌علی نوری به‌طور مخفی به میان صوفیان نقش‌بندیده (خانقاه مولانا خالد گیلانی) در سلیمانیه گریخت، ولی میرزا یحیی پس از ۲ سال که گمان می‌کرد حسین‌علی تنبیه شده او را به بغداد فراخواند. در آوریل ۱۸۶۳ م. بابیان و از جمله بهاء‌الله ۱۲ روز در باغ نجیبیه اقامت داده شدند تا به استانبول فرستاده شوند. در این فرصت او به دوستان مورد اعتماد خود مخفیانه اعلام کرد که «من یظهره الله» و «موعود اهل بیان» است. بهائیان ۱۲ روز نخستین ماه اردیبهشت را به نام عید رضوان جشن می‌گیرند (اشرفی، ۱۳۹۴: وب‌سایت کریمه؛ نک: اشرفی، ۱۳۹۰).

بهاء‌الله، میرزا یحیی و تعدادی از بابیان به استانبول تبعید شده و ۴ ماه در این شهر ماندند و در ادامه از استانبول به ادرنه تبعید شدند. ادرنه آن موقع مرکز سیاسی اروپای شرقی و تحت کنترل عثمانی بود. حسین‌علی نوری به همراه میرزا یحیی پنج سال در این شهر بودند، اما اختلافات این دو در سال‌های آخر تشدید شد، حسین‌علی نوری کتاب بدیع را در همین زمان می‌نویسد و در این کتاب هرچه که می‌تواند فحش و فحاشی نصیب برادرش میرزا یحیی می‌کند. دولت عثمانی دوباره این دو را تبعید، میرزا یحیی (صبح ازل) را به جزیره قبرس و میرزا حسین‌علی را به عکا تبعید می‌کند. میرزا یحیی تا روز ۲۹ آوریل ۱۹۱۲ که در شهر فاماکوستا درگذشت، تحت نظر دولت عثمانی باقی ماند. میرزا حسین‌علی هم در حصر عکا، کتاب «اقدس» که به تعبیری ام‌الکتاب بهائیت و شامل احکام و تعالیم اصلی بهائیت است و کتاب «ایقان» را در پاسخ به پرسش‌های سیدخال (دائی باب) در مورد ظهور امام قائم ع و شبهات قرآن می‌نویسد و در این روزگار تلاش برای کسب مشروعیت مضاعف در میان پیروان و به نوعی تشکیل یک دین جدید را در سرلوح کار خود قرار می‌دهد و این‌گونه است که بهائیت از دل بابیه و شیخیه شکل می‌گیرد، و سرانجام میرزا حسین‌علی نوری معروف به بهاء‌الله در شب سوم ذی‌قعدة ۱۳۰۹ در عکا درگذشت (حجازی، ۱۳۹۰: ۹۹ و ۱۰۰).

## ۷- نتیجه‌گیری

پدیده در یک برهه از زمان اتفاق می‌افتد و مرسوم به هیچ سابقه‌ای نیست، ولی یک جریان دنباله‌دار و ادامه‌دار است. مذهب و انتشار آن یک جریان است و در هنگام شکل‌گیری آن یک

جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار

پدیده محسوب می‌شود؛ برای نمونه اسلام هم یک پدیده و هم یک جریان است، ولی فرقه‌های ضاله مانند بابیه و بهائیت یک جریان ضد اجتماعی است که امکان دارد هر لحظه ساختار اجتماعی و هنجارهای جامعه را مورد تعدی و تجاوز قرار دهد. بهائیت با انتصاب خود به اسلام از مفاهیم اسلامی سوء استفاده کرده و با جذب افراد و مخاطبان به درون خود چهره ضداسلامی و تفکر منحط خود را بروز می‌دهد، البته بهائیت تلاش دارد با نام تعالیم متعالی (دوازده‌گانه) خود ظاهری مدنی به تعالیم دهد که اتفاقاً مفاهیم مقدسه‌اش با هیچ یک از این تعالیم هم‌خوانی ندارد.

در بررسی ماهیت و چگونگی شکل‌گیری فرقه بابیه و نیز بررسی افکار و عقاید علی‌محمد شیرازی و حوادثی که بایان در طی شش سال از ادعا تا اعدام باب در ایران مرتکب شدند و متعاقب آن شکل‌گیری فرقه جدیدی از دل آن با نام بهائیت می‌توان این‌گونه استنباط کرد که فرقه بابیه، فرقه‌ای ضاله است و ریشه در نحله شیخیه و افکار شیخ احمد احسایی و سیدکاظم رشتی داشت. البته برخورد با بابیه در دوره قاجار بیشتر یک برخورد سیاسی و امنیتی بود تا یک برخورد مذهبی. همچنین عواملی از قبیل فشار ناشی از نظام فئودالیت، ناتوانی حکومت قاجار از بهبود معیشت مردم، بی‌کفایتی شاهانی مانند فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه، در کنار حکومتگران خائنی مثل آغاسی و میرزا آقاخان نوری به انضمام عوامل اجتماعی مانند فقر فرهنگی، بی‌سوادی و کمبود دانش عمومی مردم کوچه و بازار ناشی از تمرکز مجامع علمی در شهرهای خاص، مشکلات تحصیل برای توده‌ها، تعمد برخی شاهان بر بی‌سواد ماندن مردم و در نهایت درک نادرست گروندگان به بابیه از آموزه‌های دینی به ویژه مهدویت و خرافه‌گرایی و ترویج فرق انحرافی چون صوفیه و شیخیه را می‌توان بسترساز شکل‌گیری فرقه بابیه در عهد قاجار و متعاقب آن فرقه ضاله بهائیت تلقی کرد.

بهائیت یک مذهب مجعول غربی و یک فرقه در حال اوج در شرق و ایران است. رهبران بهائی از جمله عباس افندی در بازنگری تعالیم بهائیت به این فرقه رنگ و بویی جهانی دادند و امروزه بهائیت خود را گسترده‌ترین آیین از نظر پراکندگی جغرافیایی در جهان می‌داند. آنان اصولاً به مفهوم وطن اعتقادی ندارند و به اصطلاح «جهان وطنی» اختیار کرده‌اند. این فرقه هر چند ادعای عدم دخالت در سیاست دارند، ولی به نظر می‌رسد هدف آنان تشکیل حکومت جهانی بهائی است و تلاش می‌کنند تا تفکر جهان وطنی و صلح جهانی را در سطح ملت‌ها

گسترش دهند، ولی همین ادعای جهان وطنی و صلح جهانی شعبده‌ای بیش نیست، چرا که بهائیان اگرچه به جامعه جهانی اعتقاد دارند، ولی بر این باورند که ایشان باید بر ملت‌های جهان حکومت کنند. اکنون نیز با توجه قرار داشتن در اوج نقطه ضعف، هیچ‌گاه این نیت را بر زبان نمی‌آورند.

## ۸- کتاب‌شناسی

- قرآن کریم
- آیتی؛ عبدالحسین (۱۳۸۹). *انگلیس و سر عبدالبهاء*. تهران: نشر راه نیکان.
- احقافی اسکوثی، عبدالرسول (۱۳۷۸). *حقایق شیعیان*. چاپ دوم، تهران: نشر پروا.
- اشرافی، مرتضی، مجتبی اشرافی (۱۳۹۰). «بهائیت در ایران»، *پگاه حوزه*، شماره ۳۰۳، خردادماه ۱۳۹۰.
- اشرافی، مجتبی، مرتضی اشرافی (۱۳۹۴). *تقدی بر آیین بهائیت*. پایگاه اطلاع رسانی کریمه اهل بیت<sup>س</sup>
- افندی ربانی، شوقی (۱۹۹۲). *قرن بدیع*. ترجمه نصرالله مودت، نسخه اسکن شده، چاپ دوم، کانادا: مؤسسه معارف بهائی.
- الگار، حامد (۱۳۵۵). *نقش روحانیت پیش‌رو در جنبش مشروطیت: دین و دولت در ایران*، *نقش علماء در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
- جانی کاشانی، حاجی میرزا (بی‌تا). *نقطه الکاف*، نسخه اسکن شده، بی‌جا: بی‌نا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *شریعت در آینه معرفت*، چاپ اول، قم: موسسه فرهنگی رجاء.
- حجازی، محمدباقر (۱۳۹۰). *سر مسلک باب در مهدویت*؛ تهران: انتشارات راه نیکان.
- حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۸۰). *ماجرای باب و بهاء*، تهران: انتشارات روزنه.
- خالصی، محمد (۱۳۸۷). *اعترافات کینیازدالگورکی*، تهران: انتشارات محمدی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹). *کلام جدید*. قم: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.

- جامعه‌شناسی تاریخی فرقه ضاله بهائیت ... \_\_\_\_\_ مجتبی اشرفی و همکار
- دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان (۱۳۸۷). نیمه پنهان ۲۵: سایه روشن بهائیت. تهران: انتشارات کیهان.
- روزبهانی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۸). در جستجوی حقیقت (کاوشی در فرقه ضاله بهائیت). قم: واحد انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- زاهدزاهدانی، سعید (۱۳۸۰). بهائیت در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زعیم‌الدوله تبریزی، میرزا محمد مهدی خان (۱۳۴۶). مفتاح باب‌الابواب (تاریخ باب و بهائیت). ترجمه شیخ حسن فرید گلپایگانی، تهران: انتشارات فراهانی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۴). مجله نقد و نظر، ش ۳.
- شفا، امان‌الله (۱۳۴۹). نامه‌ای از سن پالو. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۲). فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۷، سال هفتم، پاییز ۱۳۸۲، شیرازی، علی محمد (بی‌تا). دلایل سبعة. نسخه الکترونیکی، بی‌جا: بی‌نا
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۸، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- فیاضیان، محمد (۱۳۸۵). فرقه‌ای به نام بهائیت. تهران: نشر محسنین.
- قره‌العین، طاهره (۱۳۸۵). دیوان اشعار، چاپ اول، بی‌جا: نشر بنیاد کتاب‌های سوخته ایران.
- محمدحسینی، نصرت‌الله (بی‌تا). حضرت باب. بی‌جا: مؤسسه معارف بهائی.
- محمدی‌اشتهاردی، محمد (۱۳۸۶). بابی‌گری و بهایی‌گری، قم: انتشارات کتاب آشنا.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۵). فرهنگ فرق اسلامی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مهدوی، مجید (۱۳۸۹). سرزمین تاریکی‌ها، قم: انتشارات گلستان ادب.
- نبیل زرنندی (بی‌تا)، تلخیص تاریخ نبیل، نسخه الکترونیکی، بی‌جا: بی‌نا.
- نصر، تقی (۱۳۶۳). ایران در برخورد با استعمارگران. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.